

بحران ملی افزایش جرم وجنایت در آمریکا

مارشال مک لوهان از متفکران آمریکائی درباره وسائل ارتباط جمعی و تمدن ناشی از این وسائل در عصر ما عقاید جالب توجهی دارد او میگوید انسان عقل گرا در فرهنگ غربی ما انسانی است بصری، بنظر او انسان غربی نمیخواهد این واقعیت را بفهمد که غالب تجربه‌های شعوری و آگاهانه فاقد جنبه بصری است. عقلیت و بصارت، روزگاردرازی دو مفهوم معادل بودند اما دیگر انسان قادر بزندگی درجهانی که دید و درکش از اشیاء و حوادث و انسانها بصری است، نمیباشد^(۱) آندری گرومیوکی وزیر سابق امور خارجه شوروی درباره بافت و فرهنگ و ساختار جامعه آمریکائی و سیستم حاکم بر آن چنین اظهارنظر میکند:

همه افرادی که من در آمریکا با آنها حرف زده‌ام به استثناء کمونیست‌ها دوست داشتند در مورد دموکراسی آمریکائی حرف بزنند اما بنظر میرسید که هیچیک از آنها تصویر روشنی از اینکه دموکراسی واقعی و حکومت واقعی مردم چیست در ذهن ندارند. آنها مانند پدران و پدربزرگهای خود همان کلماتی را که در مدرسه آموخته بودند بکار می‌گرفتند حتی معاصرین جرج واشنگتن در آمریکای

برده‌داری درمورد آزادی حرف می‌زدند و فکر میکردند در يك کشور دموکراتیک زندگی میکنند مطبوعات در زمان آبراهام لینکلن درباره قدرت مردم داد سخن میدادند و در دوران تئودور روزولت از دموکراسی آمریکائی تجلیل میکردند.

اکنون وضع به چه صورتی است؟ اتباع شوروی که از آمریکا دیدن میکنند از منظره عجیب (برای آنها) مردمی که برای کار یا برای گرفتن حق بیکاری یا فقط برای يك کاسه سوپ صف کشیده‌اند حیرت میکنند. اگر از کسی بپرسید چگونه به این روز افتاده می‌گوید «من بیکار هستم خانواده‌ام چیزی ندارند سعی کردم دنبال کاری بروم اما هیچ کاری پیدا نکردم» و اگر از او بپرسید چه کسی مسئول این وضع است می‌گوید: «این طبیعی است. اینجا يك کشور دموکراتیک است يك نفر کار پیدا میکند و يك نفر نه» (۲)

مطالب فوق تصویری است از چهره واقعی دموکراسی آمریکائی در زیر پوسته و نقاب ظاهری آزادی بیان و حقوق بشر و عدالت اجتماعی.

اینک ببینیم که در دهه ۹۰ و در آستانه سال ۲۰۰۰ جامعه آمریکائی در چه موقعیتی قرار دارد به گزارش خبرگزاری رویترز از واشنگتن بیل کلینتون رئیس جمهوری آمریکا در نطق هفتگی خود خطاب به مردم آمریکا (تاریخ نطق شنبه ۱۳۷۳/۲/۲۸) گفت «هیچ مسئله‌ای بیش از مشکلات ناشی از سرطان جنایت و خشونت که مثل خوره‌ای رشته‌های اتحاد مردم آمریکا را می‌خورد ارزش این را ندارد که دور هم جمع شویم» وی اضافه کرد اگر کاری درمورد جنایت انجام ندهیم واقعاً نمیتوانیم در این کشور آزادباشیم کلینتون اظهار امیدواری کرد بتواند برای لایحه ضد جنایت که مدت‌های طولانی در کنگره آمریکا بر سر آن بحث میشود حمایت نمایندگان را کسب کند طبق این لایحه قرار است از مجازات مرگ بیشتر استفاده شود. فروش بعضی انواع تفنگ‌های تهاجمی ممنوع شود و تعداد نفرات پلیس مستقر در خیابان‌ها به ۱۰۰ هزار برسد. (۳)

به نوشته نیویورک تایمز اسقف‌های کاتولیک آمریکا طی بیانیه‌ای از رئیس جمهور آمریکا درخواست کردند درحالیکه فشارهای اقتصادی، مسائل اخلاقی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل و خشونت‌های محلی جامعه آمریکا را تهدید میکند تلاش خود را تنها صرف نیازها و مشکلات داخلی کشور نماید و به استقبال مسائل جهانی نرود (این بیانیه به مناسبت دهمین سالگرد نامه پیشوای روحانی اسقف‌ها در سال ۱۹۸۲ در مورد سلاح‌های اتمی انتشار یافت).

فصلنامه آمریکائی فارن افرز در شماره پائیز ۱۹۹۳ خود چنین نوشته است: «ایالات متحده با نابود کردن پی‌درپی آن دسته از نهادهای اجتماعی که فرد را محدود میکردند دست به تجربه اجتماعی عظیمی زده است نتیجه این تجربه مصیبت بار بوده است از سال ۱۹۶۰ تاکنون جمعیت آمریکا ۴۱ درصد افزایش یافته است درحالیکه طی همین مدت جنایات خشونت‌آمیز به میزان ۵۶۰ درصد، تولد نوزادان از مادران مجرد ۴۱۹ درصد، نرخ طلاق ۳۰۰ درصد و تعداد کودکانی که در خانواده‌های بدون پدر یا بدون مادر زندگی میکنند ۳۰۰ درصد افزایش داشته است این نشانه یک انحطاط عظیم اجتماعی است بسیاری از جوامع از دورنمای وقوع چنین زوال و انحطاطی در اطرافشان برخوردارند اما آمریکائیان هنگام سفر به خارج بجای آنکه با فروتنی و تواضع عمل کنند با اطمینان کامل درباره فضائل آزادی بی‌حد و مرز فردی به موعظه میپردازند و با بی‌توجهی عواقب اجتماعی آشکار آنرا نادیده میگیرند».

حال که مقدمتاً بنحو اختصار به بافت فرهنگی و اجتماعی آمریکا اشاره شد ذیلاً بطور اجمال به سیستم قضائی و ذکر آمار تعدادی از جرائم میپردازیم مطالب این مبحث عمدتاً از نشریه شماره ۱۷ انیستیتو پیشگیری و کنترل جرم و جنایت هلسینکی (وابسته به سازمان ملل متحد) تحت عنوان سیستم عدالت کیفری در اروپا و آمریکای شمالی ترجمه آقای رحیم اصلانزاده استخراج شده است.

قانون جزای آمریکا ریشه در حقوق «کامن لو» انگلیس دارد. بعلاوه حقوق جزای معاصر منبعت از قانون اساسی، قوانین فدرال و قانون اداری میباشد. قانون اساسی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۷ بایک مقدمه، هفت ماده، و بیست و شش اصلحیه تصویب شد هرچند که بخش بسیار اندکی از قانون اساسی مستقیماً به مسائل عدالت کیفری مربوط میشود معذک دیوان عالی و دادگاههای پائین‌تر و تفسیرهای اینها از مواد قانون اساسی چه بر قانون جزا چه بر آئین دادرسی کیفری تأثیر دارند. قوانین فدرال که تحت قانون اساسی شکل گرفته است برای تمامی ۵۰ ایالت متحده آمریکا بکار گرفته میشود علاوه بر این هر یک از ایالات پنجاهگانه با قوانین مصوب خود اداره میشوند.

اولین نیروی پلیس به شکل مدرن و امروزی در سال ۱۸۴۵ در شهر نیویورک تشکیل گردید امروزه بیش از ۴۰۰۰۰ پلیس حرفه‌ای بخش دولتی در شهرها، قصبات، ایالات و کشور انجام وظیفه مینمایند سازمانهای اجرائی قانون فدرال عبارتند از:

- ۱- اداره تحقیقات فدرال یا اف بی آی
- ۲- اداره مبارزه با مواد مخدر (D E A)
- ۳- سازمان تابعیت و مهاجرت
- ۴- دفتر اجرای احکام ایالات متحده
- ۵- بخش اخاذی و جرائم سازمان‌دهی شده
- ۶- بخش اطلاعات درآمد داخلی
- ۷- سازمان امنیت
- ۸- اداره آتش‌نشانی و مبارزه با الکل و سیگار
- ۹- اداره خدمات گمرکی
- ۱۰- اداره خدمات بازرسی پستی
- ۱۱- گارد ساحلی ایالات متحده آمریکا

علاوه بر پلیس دولتی بسیاری سازمانهای پلیس خصوصی نیز وجود دارند که تعداد پرسنل آنان بر روی هم به مراتب از تعداد مربوطه در بخش دولتی بیشتر میباشد.

همینکه پلیس فرد مظنونی را دستگیر میکند لازم است به وی اخطاری که به اخطار «میراندا» معروف و موسوم است بدهد در واقع با عنایت به مفاد ماده پنج اصلحیه قانون اساسی به فرد مظنون یادآوری میشود که قبل از اینکه مورد استنطاق قرار گیرد میتواند سکوت کند پس از دستگیری فرد ضبط رویداد که شامل ثبت تاریخ و زمان دستگیری سپردن تضمین قبل از دادرسی مقدماتی انگشتنگاری و عکس برداری از فرد مظنون وجود دارد.

در آمریکا دو سیستم متفاوت فدرال و ایالتی وجود دارد دادگاهها براساس اهمیت عبارتند از: دیوان عالی ایالت متحده آمریکا، دادگاه استیناف ایالات متحده، دادگاه شهرستان و همینطور دادگاههای بخش ایالت متحده آمریکا.

هر ایالتی سیستم قضائی خود را داشته و هیچ دو ایالتی را نمیتوان یافت که از نظر سیستم دادگاهی و قضائی کاملاً نظیر هم باشند. قبل از محاکمه دادیار چهار مسئله را مورد نظر و توجه قرار میدهد این مسائل عبارتند از:

الف - فرد مورد نظر را متهم بنماید یا نه، و در صورتیکه او را متهم نماید به چه جرمی؟

ب - متهم قبل از محاکمه آزاد باشد یا در توقیف قرار گیرد.

پ - برای متهم ترتیبات خاصی در نظر گرفته شود مثلاً متهم قبل از محاکمه با التزام و یا به قید ضمانت آزاد گردد.

ت - میتوان با متهم از طریق تخفیف در مجازات معامله نمود یا اینکه وی را باید حتماً در دادگاه محاکمه نمود (منظور از معامله در اینجا این است که متهم از

محاكمه شدن در دادگاه صرفنظر مینماید و در نتیجه در اتهام وی تخفیف داده شده و حکم سبکتری را برای او صادر مینماید).

اصلاحیه پنجم قانون اساسی ایالات متحده آمریکا با بیان این نکته که «هیچکس را نمیتوان به قبول جرمی واداشت و یا از حقوق مدنی محروم نمود مگر اینکه در حضور هیئت منصفه و یا با کیفرخواست صادر از طریق هیئت منصفه تصمیم گرفته شده باشد» ریشه در سنت حقوق کامن لو انگلیس دارد. برای رسیدگی به دعاوی در تمامی دادگاههای فدرال و تقریباً در نیمی از دادگاههای دولتی از هیئت منصفه استفاده میشود.

در کشور آمریکا دو سیستم تأدیبی متفاوت وجود دارد یکی سیستم زندانهای فدرال (که در سال ۱۹۲۰ تأسیس یافته) و دیگری سیستم زندانهای ایالتی.

قبل از اینکه سیستم زندانهای فدرال بوجود آیند زندانیان را در زندانهای ایالتی قرار میدادند هر ایالتی برای خود برای جرائم جنائی زندانهای بزرگ (Prisons) و برای جرائم جنحه‌ای و جهت بازداشت موقت زندانهای کوچک را دارا میباشند.

همینطوریکه ایالات زندانهای مخصوص زنان و مؤسساتی جهت نوجوانان بزهکار را دارا هستند در سال ۱۹۸۶ حدوداً پانصد و بیست هزار زندانی (که تقریباً ۲۰۰۰۰ نفر از آنان را زنان تشکیل میدادند) در حدود ۷۰۰ زندان ایالتی و فدرال وجود داشتند. دویست و شصت هزار نفر از زندانیان در ۲۵۰۰ زندان کوچک و ۴۹۰۰۰ نفر نوجوان بزهکار در هزار مؤسسه مربوط به نوجوانان بزهکار نگهداری میشدند در همین سال یعنی در سال ۱۹۸۶ تعداد ۱۹۶۸۷۱۲ نفر بعنوان زندانی مشروط و تعداد ۳۰۰۲۰۳ نفر مجرمین بزرگ سال با سپردن قول شرف و التزام آزاد شده‌اند.

زیلاً آمار قتل - تجاوز به عنف - اخذ مال به عنف و حمله به قصد ایراد ضرب و جرح از سال ۱۹۸۰ لغایت ۱۹۸۶ که کلاً از نشریه شماره ۱۷ انیستیتو پیشگیری و کنترل جرم و جنایت هلسینکی (وابسته به سازمان ملل متحد) استخراج شده است. جهت ملاحظه بنظر میرسد.

سال	تعداد قتلهای گزارش شده	تجاوز به عنف	اخذ مال به عنف	حمله به قصد ایراد ضرب و جرح
۱۹۸۰	۲۳۰۴۰ فقره	۸۲۹۹۰ فقره	۵۶۸۴۰ فقره	۶۷۲۶۵۰ فقره
۱۹۸۱	۲۲۵۲۰ فقره	۸۲۵۰۰ فقره	۵۹۲۹۱۰ فقره	۶۶۳۹۰۰ فقره
۱۹۸۲	۲۱۰۱۰ فقره	۷۸۷۷۰ فقره	۵۵۳۱۳۰ فقره	۶۶۹۴۸۰ فقره
۱۹۸۳	۱۹۳۱۰ فقره	۷۸۹۲۰ فقره	۵۰۶۵۷۰ فقره	۶۵۳۲۹۰ فقره
۱۹۸۴	۱۸۹۶۰ فقره	۸۴۲۳۰ فقره	۴۸۵۰۱۰ فقره	۶۸۵۳۵۰ فقره
۱۹۸۵	۱۸۹۸۰ فقره	۸۷۳۴۰ فقره	۴۹۷۸۷۰ فقره	۷۲۳۲۵۰ فقره
۱۹۸۶	۲۰۶۱۰ فقره	۹۰۴۳۰ فقره	۵۴۲۷۸۰ فقره	۸۳۴۳۲۰ فقره

منظور از تجاوز به عنف، تجاوز جنسی با توسل به زور میباشد و مراد از اخذ مال به عنف جرمی است که در آن سعی میشود با توسل به زور یا تهدید و ارباب و خشونت چیزی ارزشمند را از دیگری بگیرند حمله به قصد ایراد ضرب و جرح از نوع مشدد عبارت است از حالتی که فردی به کسی حمله ور میشود و بدین طریق صدمات و لطمات بدنی شدیدی برای آنکس پیش میآورد البته تهدید به حمله به قصد ایراد ضرب و جرح از نوع ساده در این گروه قرار نگرفته است.

مجازات اعدام: این مجازات که صرفاً برای قتل عمدی در نظر گرفته شده است برای يك دوره ده ساله یعنی سالهای ۷۷-۱۹۶۷ ملغی شده بود مراجعه به آراء عمومی که در سال ۱۹۷۲ بعمل آمد نشان داد که ۵۲٪ مردم طالب وجود مجازات مرگ هستند. لیکن نظرخواهی عمومی که در این رابطه در سال ۱۹۸۰ بعمل

آمدتعداد تقریبی ۷۵٪ مردم را طرفدار وجود چنین مجازاتی نشان میداد. از بین ایالات گوناگون آمریکا تنها چهار ایالت بعلاوه سیستم فدرال از اعدام جهت مجازات قتل و دیگر جرائم سنگین استفاده مینمایند در سال ۱۹۸۶ در هفت ایالت از ایالات متحده آمریکا تعداد ۱۸ زندانی با استفاده از شیوه‌های گوناگون نظیر حلق‌آویز کردن نشانیدن بر روی صندلی الکتریکی، قرار دادن در اطاق گاز، تزریق مواد مهلك اعدام شدند. در همین سال ۲۹۷ نفر زندانی حکم اعدام دریافت داشتند و ۳۲ ایالت بر روی هم ۱۷۸۱ نفر زندانی محکوم به اعدام گزارش کرده‌اند. آمار مربوط به تعداد زندانیان:

الف - تعداد زندانیان در زندانهای ایالتی و فدرال در سال ۱۹۸۶ عبارت از ۵۲۳۹۲۲ نفر میباشد.

ب - تعداد کسانی که روزانه در زندانهای کوچک ایالات متحده در سال ۱۹۸۶ نگهداری شده‌اند بطور تخمین ۲۶۵۵۱۷ نفر میباشد.
زندانهای الکتریکی

در سال ۱۹۸۵ دادگاه بخش کنتون در ایالت کنتاکی برای اولین بار در ایالات متحده آمریکا از برنامه زندان در منزل استفاده نمود. طولی نکشید که دیگر ایالات یعنی ایالاتی چون اورگان، میشیگان، و نیویورک به تقلید از ایالت کنتاکی این کار را شروع کرده‌اند و یا بطرز قاطعی چگونگی استفاده از این طرح را مورد بررسی قرار داده‌اند در این نوع از زندان، وسیله الکتریکی را که کار نظارت بر فرد بازداشتی را انجام میدهد برپای او وصل میکنند و از طریق سیگنال‌ها یا علائمی که این دستگاه به مرکز پلیس مخابره میکند مشخص میشود که فرد بازداشتی در شعاع مشخصی حضور دارد یا خیر. علاوه بر این، یک چنین مراقبت شدید از مجرمینی که محکومیت حاصل کرده‌اند و در برخی از ایالات در مورد زندانیانی که در آزادی مشروط بسر میبرند نیز یا قبلاً بکار گرفته شده و یا استفاده از آن مورد بررسی میباشد.

مطالبی که بیان شد شمه‌ای از سیستم قضائی کیفری و آمار برخی جرائم و زندانیان تا سال ۱۹۸۶ بود لیکن بررسی‌های بعدی نشان از افزایش و روند صعودی جرائم خصوصاً در زمینه جنایت و خشونت و تجاوزات جنسی دارد درخصوص بزه تجاوز به عنف ذیلاً بگزارشاتی اشاره میشود.

خبرگزاری رویتر در گزارشی از واشنگتن به نقل از يك بررسی بعمل آمده توسط وزارت دادگستری نوشت:

از هر ۶ مورد تجاوز به عمل آمده در این کشور يك مورد آن به دختر بچه‌های زیر ۱۲ سال صورت میگیرد دفتر بررسی‌های آماری وزارت دادگستری آمریکا با انجام يك تحقیق گسترده دریافت که بیش از نیمی از تجاوزات صورت گرفته که در دفاتر پلیس در سال ۱۹۹۲ به ثبت رسیده است مربوط به دختران زیر ۱۸ ساله بوده و ۱۶ درصد این قربانیان را دختر بچه‌های پائین‌تر از ۱۲ سال تشکیل میدهند این گزارش حاکیست که تجاوزات به عمل آمده توسط افراد فامیل برای دختران بین سنین ۱۲ تا ۱۷ سال ۱۵٪ و به زنان ۱۸ سال به بالا ۳۳٪ افزایش نشان میدهد بیشترین مورد تجاوز در ۱۱ ایالت این کشور صورت گرفته است و آمار ارائه شده در نتیجه بررسی ۱۰۹ هزار مورد شکایت مربوط به تجاوز به عنف است که در سال ۱۹۹۲ به ثبت رسیده است و مجموعاً در سال ۱۹۹۲ بیش از ۱۷ هزار دختر زیر ۱۲ سال مورد تجاوز واقع شده‌اند.^(۴)

هفته‌نامه فرانسوی «اونمان دوژودی» مینویسد آمارهای موجود حاکی از آنستکه در هر سه یا چهار خانواده آمریکائی که حداقل يك فرزند دختر دارند تجاوز به دختران دست کم در مورد یکی از آنها صدق میکند و هر سال بین ۷۰ تا ۸۰ هزار مورد سقط جنین بدلیل بارداریهای ناشی از این قبیل روابط نامشروع در آمریکا صورت میگیرد.

از سوی دیگر مؤسسه تحقیقاتی «اوی سی» در ریشه‌یابی علل اعتیاد و نقش تجاوزهای جنسی در روی آوردن جوانان به اعتیاد اعلام کرد: ۴۴٪ زنانی که

در این مؤسسه تحت مداوا قرار دارند در سنین طفولیت مورد تجاوز یکی از افراد خانواده و یا نزدیکان خود قرار گرفته‌اند نتایج تحقیق دیگری در این مورد نشان می‌دهد که ۷۵ درصد از افرادی که مبادرت به خشونت‌های جنسی کرده‌اند خود در دوران طفولیت قربانی تجاوز در خانواده بوده‌اند.

در آمارگیری دیگری که از سوی دانشگاه شهر سیاتل در میان بیش از ۲۰۰ تن از زنان بدکاره صورت گرفته است نشان می‌دهد که نیمی از افراد در سنین طفولیت مورد تجاوز یک یا چند تن از افراد خانواده خود قرار گرفته‌اند.

هفته‌نامه فرانسوی در پایان گزارش خود مینویسد: اکنون دیگر یک پدر آمریکائی که مرتکب اعمال منافی عفت علیه اعضای خانواده خود میشود یک آمریکائی معمولی و استاندارد و تعجب‌انگیزتر این است که حتی تعدادی از محققان آمریکائی نیز برای توجیه این وضعیت آنرا عملی مثبت تلقی کرده و مخالفت با آنرا ناشی از اعتقاد به خرافات اخلاقی قلمداد میکنند.^(۵)

در خصوص افزایش جنایت و خشونت در جامعه آمریکائی وضع بحالت یک بحران ملی درآمده است که شرح آن بحث و توضیح زیادی را طلب میکند.

بنوشته روزنامه آمریکائی نیویورک تایمز جامعه آمریکا هیچگاه به اندازه امروز نیازمند تلاشی جدی برای مبارزه با جرم و جنایت نبوده است آمریکائیان امروز در معرض قتل، ضرب و شتم و تجاوز و سرقت اموال و مواجه شدن با حوادث وحشتناک قرار دارند و هیچ مکانی از وقوع جرم و جنایت مستثنی نیست و واقعیت وحشتناکتر از آن است که نویسندگان بتوانند آن را بیان کنند بین سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ میلادی این کشور خشن‌ترین دهه وقوع جرم و جنایت را در تاریخ خود سپری کرده است که طی آن ۵۰ هزار کودک و نوجوان زیر ۲۰ سال با سلاح گرم جان خود را از دست داده‌اند نیویورک تایمز با انتقاد از سیستم قضائی آمریکا مینویسد آشکارا بنظر میرسد در نظام قضائی کشور برای رسیدگی به جرم و جنایت مشکل اساسی وجود دارد که قاتلان و مرتکبین اعمال منافی عفت به سرعت آزاد میشوند.^(۶)

از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴ تعداد زندانها و زندانیان در آمریکا سه برابر شده است ولی در میزان جنایات کاهشی حاصل نشده بلکه روند آن صعودی بوده است.

در آبان ماه سال ۱۳۷۲ سنای آمریکا قانونی به تصویب رساند که به موجب آن نوجوانان ۱۳ ساله و بالاتر را که با سلاح گرم مرتکب جنایت میشوند مانند بزرگسالان مجازات کنند کنگره با ۶۴ رأی موافق در برابر ۳۲ رأی مخالف ماده‌ای به این منظور به قانون ضد جنایت که هم‌اکنون در آمریکا مورد آزمایش قرار گرفته اضافه کرد سناتور «کارول موزلی براون» گفت: این تصمیم بدین منظور اتخاذ شده که خردسالان بفهمند اگر مسئول قتل کسی شوند زندانی خواهند شد. در سال ۱۹۹۲ بیش از ۴۶ هزار کودک آمریکائی به علت حمل سلاح گرم مورد بازجوئی قرار گرفته‌اند و ۲۸۲۹ تن دیگر با سلاح گرم مرتکب قتل شده‌اند.^(۷)

مطالب زیر تحت عنوان جنایت و خشونت در خیابانهای آمریکا از شماره ۳۱ نیوزویک استخراج شده است:

خشونت درست مانند بیماری فلج اطفال در چهل سال پیش دارد این نسل را نابود میکند «جانست رنو» دادستان کل میگوید: جنایات جوانان بزرگترین مشکل جنائی امروز آمریکاست.

طبق گزارش وزارت دادگستری آمریکا بین سالهای ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۱ شمار نوجوانانی که به اتهام قتل در کشور بازداشت شدند با افزایش چشمگیر ۸۵ درصدی همراه بوده است در سال ۱۹۹۱ افراد ۱۰ تا ۱۷ ساله، ۱۷٪ بازداشتهای جنائی را به خود اختصاص داده‌اند مقامهای مجری قانون معتقدند که این رقم در حال حاضر حتی از این هم بالاتر است نوجوانان تنها مجرم نیستند بلکه قربانی نیز میباشند به گفته پلیس فدرال آمریکا بیش از ۲۲۰۰ قربانی قتل در سال ۱۹۹۱ زیر هیجده سال بودند بطور متوسط هر روز ۶ نوجوان به قتل رسیده‌اند طبق برآورد وزارت دادگستری هر سال نزدیک به یک میلیون جوان بین

۱۲ تا ۱۹ سال اغلب به وسیله هم سن و سالهای خود مورد دستبرد یا حمله قرار میگیرند بسیاری از خشونتها در آمار منظور نمیشود «ریچارد دسرینو» مسئول اورژانس بیمارستان بوستون سیتی میگوید: پزشکان در برابر هر يك نوجوانی که میمیرد هفت تا هشت نوجوان زخمی را مداوا میکنند.

«دارت ماوث» درحومه نیو Bedford واقع شده و از نوع مکان‌هائی است که ساکنان شهرها به آنجا میگریزند تا مفری از جنایات شهری بیابند واکنش در برابر خشونت در محله‌های مرکزی شهرکه بسیاری از جوانان در آنجا با صدای آژیر پلیس و شلیک گلوله در شب و دیدن پیاده روهای خون‌آلوده در صبح روز بعد بزرگ شده‌اند بسیار حاد است پس از سالها زندگی در منطقه جنگی ضربه روحی بنظر میرسد بتدریج دارد التیام مییابد.

در این جو پر از خشونت رفتار عادی خریدار ندارد با سقوط حمایت‌های اجتماعی سنتی درخانه، مدرسه، جامعه الگوهای رفتاری جدیدی جای آنها را گرفته‌اند «مدی‌پت» دادستان ایندیاناپولیس میگوید:

برای پرورش يك كودك تمامی دهکده تلاش میکنند اما دیگر در آنجا دهکده‌ای برای کودکان وجود ندارد تنها تعلیماتی که این کودکان دریافت میدارند از هم سن و سالهای خود در خیابانها و فروشندگان مواد مخدر و سایر الگوهای است که در اقدام‌های جنایتکارانه شرکت دارند.

کتی باکلند دادستان لوس‌آنجلس که داوطلبانه درمدارس شهرکار میکند میگوید: «این بچه‌ها که در کلاس پنجم هستند بچه‌های کودنی نیستند آنها بچه‌های باهوش و زرنگی هستند آنها بچه‌های بلند پروازی هستند که سعی دارند از نردبان ترقی بالا روند و تنها نردبان ترقی که میبینند با گروه‌ها و فروشندگان مواد مخدر سروکار دارد».

در رابطه با مواد مخدر که راهی است برای بدست آوردن پول آسان، زندان نهاد حاکم است که فرهنگ کنونی را شکل میدهد و جانشین کلیسا و مدرسه

میشود در چند سال گذشته تعداد جوانان سیاه‌پوستی که به زندان رفته‌اند بیش از جوانان سیاه‌پوستی بوده که به کالج رفته‌اند.

و اما خشونت حاکم بر جامعه آمریکا اختصاص به پسران ندارد بنوشته نیوزویک دختران نیز در حمل سلاح و ارتکاب جنایت پابپای مردان در حرکت هستند اخیراً در سن آنتونیو واقع در تگزاس یک دختر ۱۲ ساله دختر دیگری را مورد حمله قرار داد و به گفته پلیس او را نگاهداشت تا چند پسر جوان بوی تجاوز کنند.

در نیو اورلئان یک دختر مدرسه ۱۶ ساله یک چاقوی آشپزخانه شش اینچی از کیفش درآورد و آنرا به پشت همکلاسی خود فرو کرد.

در خیابانهای نیویورک و لوس‌آنجلس بعضی دخترها سلاح‌های کوچک در کیف دستی خود حمل میکنند و یک تیغ موکت‌بری با خود دارند تا در صورتی که مورد حمله قرار گرفتند یا قربانی یافتند از خود محافظت کنند.

طاعون خشونت نوجوانان به صورت یک بلای آسمانی درآمده است جرائم دختران رو به افزایش است و داستانهای مختلفی را در گزارش‌های قضائی بیان میکنند به طور مثال در ماساچوست ۱۵٪ جرائمی که دخترها در سال ۱۹۸۷ به‌خاطر آن محکوم شدند جرائم خشونت آمیز بود در سال ۱۹۹۱ این رقم به ۳۸٪ افزایش یافته است در کالیفرنیا قضات دختران خشن را به مدرسه بازسازی جوانان می‌فرستند «ادواردکیو» از مقامات این مدرسه میگوید: «شما نام هر جرمی را ببرید مادر این جا نمونه آنرا داریم شما به بدترین سناریوها فکر کنید و مادر اینجا داریم».

دخترها همچنین بتدریج به دنیای گروهها که بطور سنتی به پسرها تعلق داشتند وارد میشوند کنیگر یکی از بزرگترین گروههای خیابانی سن آنتونیو اخیراً قبول عضو از میان دختران جوان را آغاز کرده است.

گروهها همچنین یک خانواده موقت تشکیل میدهند بعضی نوجوانان هرکاری

برای پیوستن انجام میدهند در يك مراسم عضو گیری جدید دخترها بوسیله بیش از ده عضو گروه مورد ضرب و شتم قرار گرفتند.

دربوستون دو گروه دختران در بیرحمی درست همانند پسران هستند آنها تیراندازی میکنند چاقو میکشند و در فروش مواد مخدر شرکت دارند.

در شهر نیویورک تنها پسران نیستند که دختران را در استخرهای عمومی شنا محاصره کرده آنها را اذیت میکنند بلکه گروههای دختران نیز در حمله به همجنس‌های خود شرکت دارند دکتر بویل مدیر بهداشتی ذهنی فرانسیس نیویورک میگوید: «من از بیرحمی دخترانی که دختران دیگر را کتک میزدند شگفت‌زده شدم» وی اضافه میکند خشونت متعلق به يك ذهنیت شریر ضد اجتماعی است که هدفی را مورد حمله قرار میدهد که قادر به مقابله نیست این ذهنیت ضعف را بو میکشد و اوضاع به بلبشویی تبدیل میشود که در آن هیچ فردی احساس مسئولیت نمیکند.

مؤسسه‌های اجتماعی، چیز زیادی درباره راههای متوقف کردن خشونت میان جوانان یاد نگرفته‌اند پلیس و امدادگران اجتماعی در صورتی که دانش آموزان مدارس با سلاح در صحنه مدرسه بدام افتند به آنجا فرستاده میشوند.

به گفته يك امدادگر اجتماعی از «سن دیگو» اخیراً وقتی فیلم «تلما و لوئیز» را برای گروهی زن و دختر زندانی نشان میدادند با صحنه عجیبی روبرو شد وی میگوید وقتی در صحنه‌ای از فیلم کسی را که اقدام به تجاوز کرده بود با گلوله از پای در آوردند تمام کلاس فریاد شادی سرکشید مسأله این که واکنش آنها منطقی بود هر يك از آنها احتمالاً قبلاً مورد حمله قرار گرفته بودند اما اگر خشونت يك رفتار یادگرفتنی است همچنین میتواند غیر یادگرفتنی نیز باشد و این زندانیان اینک مدتی وقت دارند روی این درس کار کنند.^(۸)

مطالب زیر درخصوص موج خشونت و جنایت در واشنگتن پایتخت ایالات متحده به نقل از الکفاح العربی بیان میشود:

برخی خیابانهای واشنگتن را «خیابانهای خونبار» و برخی دیگر آنها را

«بستان قتل» نامیده‌اند که این عنوان از اسم يك فيلم آمريكائی كه چند سال پيش در مورد كامبوج تحت حكومت «خمر سرخ» تهيه شده اقتباس شده است.

واشنگتن اولين مركز نظم نوين جهانی بدو قسمت شرقی و غربی تقسیم شده ولی مثل برلین دیواری میان آن دو وجود ندارد.

شرق واشنگتن مركز كشتار و جنایت است اما غرب واشنگتن آرام زیبا و درمان و امان است.

واشنگتن غربی از نظر زیبایی مثل شهرهای پاریس - رم و ژنو است کاخ سفید - وزارت خارجه - وزارتخانه‌های بزرگ - اف بی ای - سفارتخانه‌های بزرگ جهان و اکثر سازمانهای یهودیان آمریکا در قسمت غربی واقع است.

واشنگتن شرقی منطقه سیاهپوستان است و دارای منازل قدیمی و ویران و خیابانهای تنگ و باریک میباشد در این قسمت شهر انواع آزادیها وجود دارد مثل آزادی بیکاری - آزادی مواد مخدر و اعتیاد - آزادی خودکشی. در واشنگتن شرقی ۵۰٪ جوانان بیکار و بیش از ۶۰٪ از محصلین فراری از مدرسه هستند و حدود ۶۰٪ مردم بیمه بهداشتی ندارند.

در ۵۰٪ از خانواده‌های این قسمت شهر فقط یکی از والدین بچشم میخورد و اکثراً در منازل فقط مادر حضور دارد چون پدر بعلت سرو کار داشتن با مواد مخدر یا ارتکاب جنایت فراری است در واشنگتن شرقی در هر سه ساعت يك قتل و هر سه ثانیه يك فقره دزدی و هر ۵ دقیقه يكبار تجاوز به عنف رخ میدهد بطور کلی در شهر تعداد کشته‌شدگان افزایش یافته است و از تعداد افراد پلیس کاسته میشود.

در واشنگتن شرقی ۱۸٪ جنایتها در روز روشن و ۳۵٪ در بعد از ظهر و ۴۷٪ آن نیمه شب بوقوع میپیوندد.

صحنه‌هایی که بطور مرتب دیده میشوند عبارتند از: خیابانهای پر از خون، جسد‌هایی که با آمبولانس حمل میشوند، نوارهای زرد رنگ که بدور محل وقوع

جنایت کشیده شده، وجود عکاسان و فیلمبرداران تلویزیون، خبرنگاران، روزنامه نگاران و وجود میکروفنهای الکترونیکی بسیار دقیق.

صحنه نمایش با پوشاندن جسد بوسیله نایلون آبی رنگ و حمل آن به آمبولانس خاتمه می یابد.

در کلیه جنایتها گزارشها تقریباً شبیه هم است و تنها تفاوت در محل وقوع حادثه و تعداد کشته شدگان است بدین معنی که محل جنایتها گاهی مدرسه یا خارج از آن یا گاهی دفترهای پستی و تعداد کشته ها گاهی یک نفر یا دو نفر یا بیشتر است.

محل سکونت رئیس جمهور امریکا پلاک ۱۴۰۰ در خیابان پنسلوانیا در تقاطع خیابان شماره ۱۵ قرار دارد که فقط ۲۰۰ متر با خیابان شماره ۱۴ فاصله دارد خیابان شماره ۱۴ از بدترین و رسواترین خیابانهای واشنگتن محسوب میشود که سابقاً محل افراد بدکاره بوده و سپس محل پخش مواد مخدر میشود که مشتری های آنها از منطقه اطراف کاخ سفید و از منطقه «جرج تاون» است این خیابان تنها خیابان منطقه غرب واشنگتن است که تا بامداد محل خوشگذرانی ها است معامله میان واشنگتن غربی و شرقی بصورت دوستانه صورت میپذیرد بدین معنی که مشتری های مواد مخدر به منطقه شرقی نزدیک میشوند و بسرعت مواد مخدر مورد نیاز خود را میخرند و باز میگردند، یا اینکه پخش کنندگان مواد مخدر به آرامی به مناطق اطراف کاخ سفید میروند و درکمال آرامش مواد مخدر را به مشتری های خود می رسانند.

جنایتهای قتل در واشنگتن شرقی اغلب میان سوداگران و پخش کنندگان مواد مخدر و مشتریها صورت میگیرد و هنگام تیراندازی نیز گاهی بعضی از عابران پیاده سهمی از گلوله های آنها را دارند.

واشنگتن غربی پیوسته این ترس را داشته که اوضاع واشنگتن شرقی به مناطق معروف غرب واشنگتن مثل منطقه «ویرجینیا» و «مریلند» (محل سکونت افراد سرشناس، مهندسان، وکلا، دیپلمات ها، سیاستمداران) سرایت کند.

اکنون سرقت از ویلاها، سرقت اتومبیل، زدو خورد میان سوداگران به خیابانهای تمیز و معروف واشنگتن رسیده است و آنچه که در واشنگتن رخ میدهد در شهرهای دیگری هم مثل نیویورک، بوستون، لس آنجلس، هوستون یا دیگر شهرهای معروف آمریکا رخ میدهد.

خانم شاردن کلی شهردار واشنگتن چند وقت پیش از پرزیدنت کلینتون درخواست کرد از گارد ملی برای جلوگیری از جنایت در خیابانهای واشنگتن کمک گرفته شود تاکنون سابقه نداشته است که از گارد ملی برای جلوگیری از قتل و خونریزی کمکی گرفته شود چون گارد ملی فقط در دو صورت وارد عمل میشود.

۱- هنگام وقوع سانحه‌های طبیعی مثل طوفانهائی که سال گذشته در فلوریدا رخ داد طغیان رودخانه می‌سی‌سی‌پی که اخیراً بوقوع پیوست.

۲- برای جلوگیری از تظاهرات سیاسی یا اغتشاشات اجتماعی همانطور که ۲ سال پیش در لس آنجلس رخ داد.

پرزیدنت کلینتون ضمن رد درخواست شهردار این قدرت را به شهردار بخشیده که در صورت لزوم از گارد ملی استمداد کند.

اکنون مشکل آنست که اگر گارد ملی در واشنگتن مداخله کند ممکن است حالت انفجار مردم را به تعویق بیاندازد ولی اگر شکست بخورد که احتمال آن زیاد است باید از نیروهای مسلح دیگر نیز درخواست امداد شود.

این وضع بسیار خطرناک است و وحشت سیاسی را موجب گشته و شاید سناریوی آن از به توپ بستن پارلمان مسکو نیز وحشتناکتر باشد^(۹).

مطالب فوق شمه‌ای بود از وضعیت کنونی پایتخت آمریکا مرکز نظم نوین جهانی البته مشکلات و معضلات اجتماعی مقید و منحصر بموارد مذکور نیست خطر جدی مواد مخدر رشد فزاینده بیماری ایدز فروپاشی بنیاد خانواده و نتیجتاً از دیاد طلاق، فعالیت باندهای مافیائی و دهها بلکه صدها معضل دیگر در آستانه سال ۲۰۰۰ شدیداً آمریکا را تهدید میکند.

درخاتمه با عنایت به اوضاع و احوال کنونی جامعه آمریکا بی‌اختیار این سؤال در ذهن انسان نقش می‌بندد «آیا مرگ امپراطوری سرمایه‌داری فرا رسیده است؟»

منابع و مأخذ

- (۱) - از اعماق نوشته دکتر علی اصغر حاج سید جوادی
- (۲) - خاطرات اندری گرومیکو ترجمه مهوش غلامی
- (۳) - خبرگزاری رویتر به نقل از روزنامه کیهان مورخ ۱۳۷۳/۳/۳۱
- (۴) - خبرگزاری رویتر به نقل از روزنامه کیهان مورخ ۱۳۷۳/۴/۹
- (۵) - هفته نامه اونمان دوژودی به نقل از روزنامه کیهان مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۹
- (۶) - روزنامه نیویورک تایمز به نقل از روزنامه کیهان مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۹
- (۷) - خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه کیهان مورخ ۱۳۷۲/۸/۱۶
- (۸) - نیوزویک شماره ۳۱ سال ۱۹۹۳ به نقل از روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۷۲/۵/۲۱
- (۹) - الکفاح العربی به نقل از سروش مورخ ۱۳۷۲/۱۰/۴